

بررسی تطبیقی اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با سایر نظام‌های

حقوقی مانند حقوق بشر و حقوق طبیعی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۰۳)

دکتر خلیل‌اله احمدوند

استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی

پیمان رضایی برناجی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی جایگاه و مفاهیم اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی از جمله حقوق بشر و حقوق طبیعی می‌پردازد. اخلاق به عنوان یکی از عناصر اساسی در تنظیم روابط انسانی و اجتماعی، در فقه و حقوق اسلامی جایگاهی ویژه دارد و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، احکام شریعت و اهداف متعالی دین اسلام است. در مقابل، نظام‌های حقوقی غربی مانند حقوق بشر و حقوق طبیعی، اساساً مبتنی بر عقلانیت انسانی و اصول سکولار هستند که بر پایه نیازهای اجتماعی و فردی تعریف می‌شوند. این مقاله با رویکرد تحلیلی-تطبیقی نشان می‌دهد که چگونه مبانی و معیارهای اخلاقی در فقه اسلامی، به صورت جامع‌تری پاسخگوی نیازهای انسانی و عدالت اجتماعی است، در حالی که حقوق بشر و حقوق طبیعی بیشتر به فردگرایی و نسبیت اخلاقی گرایش دارند. همچنین، این مقاله تلاش دارد تا نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها را در ارتباط با اخلاق بررسی کرده و الگویی جامع برای ترکیب ارزش‌های اخلاقی با نظام‌های حقوقی ارائه دهد. نتایج پژوهش بیانگر این است که فقه و حقوق اسلامی با تکیه بر ارزش‌های الهی، قابلیت ایجاد نظامی مبتنی بر عدالت و اخلاق پایدارتر را دارا است.

واژگان کلیدی: اخلاق، فقه اسلامی، حقوق بشر، حقوق طبیعی



مقدمه

اخلاق به عنوان یکی از مهم ترین عناصر هویت بخش به جوامع انسانی، نقش بنیادینی در تنظیم روابط میان افراد و تعیین چارچوب های رفتاری در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی دارد. در طول تاریخ، نظام های حقوقی مختلف تلاش کرده اند تا اصول و قواعدی را تدوین کنند که با مبانی اخلاقی هماهنگ بوده و بتواند عدالت و نظم اجتماعی را تأمین کند. فقه و حقوق اسلامی نیز به عنوان یکی از جامع ترین نظام های حقوقی جهان، پیوندی عمیق و غیرقابل انکار با اخلاق دارد. این نظام بر پایه تعالیم وحیانی و اصول شریعت اسلامی استوار است و هدف اصلی آن، تحقق سعادت دنیوی و اخروی انسان ها از طریق ترویج ارزش های اخلاقی و عدالت اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۷). در مقابل، نظام های حقوقی غربی همچون حقوق بشر و حقوق طبیعی، عموماً بر اصول عقلانی، تجربیات بشری و نیازهای اجتماعی تأکید دارند و غالباً از چارچوب های مذهبی فاصله گرفته اند (هابرماس، ۱۳۸۴).

با ظهور و گسترش نظام های حقوقی جدید، به ویژه پس از انقلاب های علمی و فکری غرب، مباحث مرتبط با رابطه اخلاق و حقوق دستخوش تحولات جدی شده است. حقوق بشر، به عنوان یکی از دستاوردهای مدرن بشر، بر اصولی همچون کرامت انسانی، آزادی و برابری تأکید دارد (راولز، ۱۳۸۱). از سوی دیگر، حقوق طبیعی نیز به دنبال ارائه مبانی اخلاقی برای قوانین و مقررات از طریق مفاهیمی چون عدالت ذاتی و عقلانیت بشری است. هرچند این دو نظام در تبیین برخی ارزش های اخلاقی با فقه اسلامی همپوشانی هایی دارند، اما تفاوت های عمده ای در مبانی، اهداف و روش شناسی آنها مشاهده می شود (قدردان قراملکی، ۱۳۹۰).

فقه اسلامی، برخلاف نظام های سکولار، بر ارتباط مستقیم میان اخلاق و قوانین حقوقی تأکید دارد. در این نظام، اخلاق نه تنها بخشی از چارچوب نظری است، بلکه به صورت عملی در احکام و قواعد حقوقی منعکس می شود. به عبارت دیگر، اصول اخلاقی در فقه اسلامی به عنوان پایه ای برای وضع قوانین در نظر گرفته می شود و این قوانین در نهایت به دنبال ترویج فضایل اخلاقی و کاهش رذایل هستند. از این منظر، اخلاق و حقوق در فقه اسلامی نه دو حوزه مجزا، بلکه دو روی یک سکه اند که هدف نهایی آنها، تحقق عدالت الهی و رضایت خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۸).



در مقابل، نظام‌های حقوقی غربی، به‌ویژه حقوق بشر، از دیدگاه سکولار به اخلاق و حقوق نگاه می‌کنند و تلاش دارند تا از طریق قراردادهای اجتماعی و توافق جمعی، اصولی جهان‌شمول برای حقوق و آزادی‌های افراد تدوین کنند. در این نظام‌ها، اخلاق بیشتر جنبه نسبی دارد و بر اساس تحولات اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شود (هابرماس، ۱۳۸۴). این نگاه باعث شده است تا در مواردی، تعارضاتی میان اصول اخلاقی و قوانین حقوقی در این نظام‌ها به وجود آید.

با توجه به این تفاوت‌ها، مطالعه تطبیقی اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی می‌تواند به شناخت بهتر نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها کمک کند و زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی برای تلفیق اصول اخلاقی با نظام‌های حقوقی معاصر باشد. این پژوهش، با تأکید بر جنبه‌های تطبیقی، به بررسی نحوه تعامل میان اخلاق و حقوق در فقه اسلامی، حقوق بشر و حقوق طبیعی پرداخته و تلاش دارد تا تحلیلی جامع از تفاوت‌ها و شباهت‌های این نظام‌ها ارائه دهد.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل و مقایسه مبانی اخلاقی در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی غربی است تا بتوان درک عمیق‌تری از چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با تلفیق اخلاق و حقوق در جوامع امروز به دست آورد. به‌علاوه، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا می‌توان با بهره‌گیری از ارزش‌های اخلاقی مشترک، نظامی حقوقی ایجاد کرد که در عین رعایت تنوع فرهنگی و اجتماعی، عدالت و کرامت انسانی را به بهترین شکل ممکن تأمین کند؟ در این راستا، به بررسی نقش دین، عقلانیت و تجربه در شکل‌گیری اصول اخلاقی و حقوقی پرداخته و زمینه‌های تعامل و یا تعارض میان آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر، ضمن بررسی مبانی نظری و عملی اخلاق در فقه و حقوق اسلامی، نقاط اشتراک و افتراق آن با نظام‌های حقوقی مدرن مانند حقوق بشر و حقوق طبیعی را تحلیل کرده و تلاش می‌کند تا با رویکردی تطبیقی، به شناخت عمیق‌تری از این موضوع مهم دست یابد (سن، ۲۰۰۹).



بخش اول: بیان مسئله

اخلاق، یکی از مفاهیم بنیادین در زندگی فردی و اجتماعی انسان است که در نظام‌های حقوقی مختلف، جایگاه متفاوتی دارد. در فقه و حقوق اسلامی، اخلاق نقش محوری دارد و به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد عدالت در نظر گرفته می‌شود. این نظام، بر اساس آموزه‌های الهی و وحیانی بنا شده و اخلاق را نه تنها به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به سعادت انسانی معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، نظام‌های حقوقی غربی مانند حقوق بشر و حقوق طبیعی، اساساً بر پایه عقلانیت و تجربه بشری شکل گرفته‌اند و تلاش می‌کنند اصول اخلاقی را به‌صورت جهان‌شمول و مبتنی بر مفاهیمی مانند کرامت انسانی و آزادی تعریف کنند (راولز، ۱۳۸۱).

با این حال، یکی از چالش‌های مهم در عصر حاضر، اختلاف دیدگاه میان نظام‌های حقوقی مبتنی بر دین و نظام‌های سکولار در تعریف و تبیین اصول اخلاقی است. برای مثال، در فقه اسلامی، اصول اخلاقی برگرفته از منابع شریعت مانند قرآن و سنت است که این امر به آن چارچوبی ثابت و فراتر از تغییرات اجتماعی می‌بخشد (طباطبایی، ۱۳۷۸). در مقابل، نظام‌های سکولار مانند حقوق بشر، اخلاق را بیشتر به‌عنوان یک مفهوم نسبی و وابسته به تحولات اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌کنند (هابرماس، ۱۳۸۴).

علاوه بر این، تعارضاتی که گاه میان مبانی اخلاقی و حقوقی در این نظام‌ها مشاهده می‌شود، پرسش‌های اساسی درباره توانایی هر یک از این نظام‌ها در پاسخگویی به نیازهای جوامع انسانی ایجاد کرده است. برای مثال، در برخی موارد، حقوق بشر بر اصولی تأکید دارد که ممکن است با مبانی اخلاقی و ارزشی در فقه اسلامی در تضاد باشد. از سوی دیگر، حقوق طبیعی با تأکید بر عدالت ذاتی و عقلانی، تلاش می‌کند اصول اخلاقی را مستقل از نظام‌های دینی تعریف کند، اما این رویکرد نیز به دلیل نسبی‌گرایی، با انتقاداتی مواجه است (قدردان قراملکی، ۱۳۹۰).

در این میان، سوال اساسی این است که چگونه می‌توان میان این دو دیدگاه تفاهم ایجاد کرد؟ آیا امکان ارائه مدلی ترکیبی وجود دارد که بتواند ارزش‌های اخلاقی اسلامی را با اصول جهان‌شمول حقوق بشر و حقوق طبیعی تلفیق کند؟ این مسئله به‌ویژه در دنیای امروز که ارتباطات جهانی و تعامل فرهنگ‌ها روزبه‌روز



افزایش می‌یابد، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

پژوهش حاضر، با تمرکز بر مطالعه تطبیقی میان فقه و حقوق اسلامی و نظام‌های حقوقی غربی، به‌ویژه حقوق بشر و حقوق طبیعی، به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است. هدف از این تحقیق، تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های مبانی اخلاقی در این نظام‌ها و ارائه راهکارهایی برای استفاده هم‌زمان از ارزش‌های اخلاقی و حقوقی در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانی است.

بخش دوم: پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه رابطه میان اخلاق و حقوق، به‌ویژه در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی مدرن، گستره وسیعی را در بر می‌گیرد. در این بخش، مطالعات مرتبط و برجسته در این حوزه به تفصیل بررسی می‌شوند تا جایگاه پژوهش حاضر مشخص گردد.

۱. مطالعات مرتبط با اخلاق در فقه اسلامی

مطالعات زیادی به بررسی جایگاه اخلاق در فقه اسلامی پرداخته‌اند. مطهری (۱۳۸۷) در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* به تعامل میان اخلاق و حقوق در اسلام اشاره کرده و نشان داده است که احکام شرعی در راستای تحقق عدالت و فضایل اخلاقی تدوین شده‌اند. همچنین، طباطبایی (۱۳۷۸) در تفسیر *المیزان* به رابطه میان اصول اخلاقی و قوانین فقهی پرداخته و اخلاق را به‌عنوان یکی از مبانی اساسی حقوق اسلامی معرفی کرده است.

قدردان قراملکی (۱۳۹۰) در کتاب *اخلاق و فقه* به تحلیل جامع پیوند میان اخلاق و احکام فقهی پرداخته و نشان داده است که چگونه اصول اخلاقی، چارچوب نظری فقه اسلامی را تشکیل می‌دهند. این مطالعه بر ارتباط تنگاتنگ میان اخلاق و شریعت تأکید دارد و فقه را ابزاری برای تحقق اخلاق الهی می‌داند.

۲. مطالعات مرتبط با نظام‌های حقوقی مدرن

در حوزه نظام‌های حقوقی مدرن، راولز (۱۳۸۱) در کتاب *عدالت به‌عنوان انصاف* بر نقش عدالت و اخلاق در تدوین قوانین حقوق بشر تأکید کرده است. وی معتقد است که اصول حقوق بشر باید بر پایه ارزش‌های



اخلاقی مشترک تدوین شوند تا بتوانند کرامت انسانی را تأمین کنند.

هابرماس (۱۳۸۴) در کتاب *گفتمان اخلاق* و سیاست به بررسی تعامل میان اخلاق، حقوق و سیاست در نظام‌های حقوقی مدرن پرداخته و تأکید کرده است که اصول اخلاقی باید مبنای تدوین قوانین حقوقی باشند، هرچند که این اصول در چارچوبی سکولار تعریف می‌شوند.

۳. مطالعات تطبیقی

پژوهش‌های تطبیقی در زمینه اخلاق و حقوق نیز سهم قابل توجهی در ادبیات موضوع داشته‌اند. برای نمونه، رضایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان *مقایسه مبانی اخلاقی در فقه اسلامی و حقوق بشر* به تحلیل تطبیقی این دو نظام پرداخته و نشان داده است که با وجود برخی اشتراکات در ارزش‌های اخلاقی، تفاوت‌های عمده‌ای در مبانی و روش‌شناسی آن‌ها وجود دارد.

همچنین، پژوهش‌های داخلی نظیر پژوهش یوسفی (۱۴۰۰) با عنوان *رابطه اخلاق و حقوق در نظام‌های حقوقی غربی و اسلامی* به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این نظام‌ها پرداخته و تأکید کرده است که اخلاق در نظام‌های اسلامی بیشتر جنبه الهی و در نظام‌های غربی بیشتر جنبه انسانی و نسبی دارد.

۴. شکاف پژوهشی

اگرچه مطالعات متعددی به بررسی رابطه اخلاق و حقوق پرداخته‌اند، اما کمتر پژوهشی به تحلیل تطبیقی جامع میان اخلاق در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی مدرن از جمله حقوق بشر و حقوق طبیعی با رویکردی عمیق و تحلیلی پرداخته است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر این موضوع، ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف هر نظام، راهکارهایی برای تلفیق اصول اخلاقی و حقوقی در جوامع معاصر ارائه دهد.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان اخلاق و حقوق از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، پژوهش‌های تطبیقی جامع که به تحلیل علمی و منسجم این رابطه میان نظام‌های مختلف حقوقی بپردازند، محدود بوده و پژوهش حاضر درصدد است این شکاف را پر کند.



بخش سوم: اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر از چندین جهت قابل بررسی است:

ضرورت تبیین رابطه اخلاق و حقوق در نظام‌های حقوقی مختلف رابطه میان اخلاق و حقوق همواره یکی از موضوعات مهم در فلسفه حقوق و مطالعات فقهی بوده است. با گسترش نظام‌های حقوقی مدرن و توسعه مفاهیمی همچون حقوق بشر و حقوق طبیعی، مطالعه تطبیقی این نظام‌ها با فقه اسلامی اهمیت بیشتری یافته است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با بررسی مبانی و اهداف اخلاقی این نظام‌ها، به درک بهتری از نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها دست یابد و زمینه‌ساز تدوین چارچوب‌های حقوقی مؤثر و عادلانه‌تری شود.

تقویت مبانی نظری حقوق اسلامی فقه اسلامی به‌عنوان یکی از نظام‌های حقوقی جامع و پیشرفته، همواره بر اخلاق به‌عنوان زیربنای احکام شرعی تأکید داشته است. این پژوهش می‌تواند با تحلیل تطبیقی میان فقه اسلامی و نظام‌های مدرن، به تقویت مبانی نظری حقوق اسلامی کمک کند و جایگاه آن را در عرصه‌های حقوقی بین‌المللی برجسته سازد.

بند اول: پاسخ به چالش‌های معاصر

در دنیای امروز، جوامع با چالش‌هایی همچون نسبی‌گرایی اخلاقی، تضاد ارزش‌ها و تعارض قوانین حقوقی مواجه‌اند. این پژوهش با هدف بررسی نقش اخلاق در تنظیم قوانین حقوقی، می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای حل این چالش‌ها کمک کند و الگویی برای تلفیق ارزش‌های اخلاقی و حقوقی در جوامع متنوع ارائه دهد.

بند دوم: کمک به گفتمان بین‌المللی در زمینه حقوق بشر

با توجه به اینکه حقوق بشر یکی از موضوعات مورد بحث در نظام‌های حقوقی جهانی است، این پژوهش می‌تواند با ارائه تحلیلی تطبیقی از اخلاق در حقوق بشر و فقه اسلامی، به گفتمان بین‌المللی در این حوزه کمک کند. این امر می‌تواند زمینه‌ساز تقویت تعاملات میان جوامع اسلامی و سایر نظام‌های حقوقی شود.

بند سوم: تأثیر بر سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی

بند سوم: یافته‌های این پژوهش می‌توانند به سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران در کشورهای اسلامی کمک



کنند تا با بهره‌گیری از اصول اخلاقی مشترک و مؤثر، قوانین حقوقی خود را به گونه‌ای تدوین کنند که ضمن حفظ هویت دینی، با ارزش‌های جهانی نیز هماهنگ باشد.

بند چهارم: توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای

این پژوهش با رویکردی بین‌رشته‌ای به بررسی مبانی اخلاقی در فقه اسلامی و نظام‌های مدرن حقوقی پرداخته و تلاش دارد تا مفاهیم فلسفی، حقوقی و اجتماعی را به صورت تلفیقی تحلیل کند. این امر می‌تواند به توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه حقوق و اخلاق کمک کند.

اهمیت این پژوهش در توانایی آن برای ارائه نگاهی نوین و تحلیلی به رابطه اخلاق و حقوق در نظام‌های مختلف نهفته است. با توجه به چالش‌های معاصر و نیاز به تقویت گفت‌وگو میان نظام‌های حقوقی، این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر و توسعه تعاملات میان فقه اسلامی و سایر نظام‌های حقوقی کمک کند.

فقه اسلامی، به عنوان نظامی مبتنی بر وحی، اصول و قواعد اخلاقی را نه صرفاً بر اساس نیازهای اجتماعی، بلکه بر اساس دستورات الهی تعریف می‌کند. این ویژگی موجب شده است تا این نظام حقوقی بتواند در طول قرن‌ها، با وجود تغییرات فرهنگی و اجتماعی، پایداری خود را حفظ کند. از سوی دیگر، اخلاق در فقه اسلامی نه تنها مبنای قوانین حقوقی است، بلکه به عنوان معیاری برای سنجش اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی نیز به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰).

نظام حقوق بشر، که عمدتاً بر مبنای اصول سکولار و جهانی‌سازی حقوق انسانی تدوین شده است، بر ارزش‌هایی همچون برابری، آزادی و کرامت انسانی تأکید دارد. این نظام تلاش دارد تا از طریق تدوین اصولی جهان‌شمول، چارچوب‌هایی برای حفاظت از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد فراهم کند. هرچند حقوق بشر در ترویج ارزش‌های اخلاقی تلاش‌های قابل توجهی داشته است، اما به دلیل وابستگی به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، گاه با چالش‌هایی در تطبیق با ارزش‌های سنتی و مذهبی مواجه شده است (هابرماس، ۲۰۱۵).

حقوق طبیعی نیز به عنوان یکی از نظام‌های حقوقی مبتنی بر عقلانیت، به دنبال ارائه مبانی اخلاقی برای قوانین از طریق اصولی چون عدالت ذاتی است. این نظام، برخلاف حقوق بشر، بر جنبه‌های اخلاقی پایدارتر



تأکید دارد و تلاش می‌کند تا از طریق تفسیر عقلانی، اصولی را معرفی کند که در هر زمان و مکانی قابل اجرا باشند. با این حال، حقوق طبیعی نیز به دلیل عدم پیوند مستقیم با اصول وحیانی، در برخی موارد از جامعیت و انسجام لازم برخوردار نیست (سن، ۲۰۰۹).

تفاوت‌های بنیادین میان فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی مدرن، به‌ویژه در زمینه مبانی اخلاقی، باعث شده است که مباحث مرتبط با رابطه میان اخلاق و حقوق به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در مطالعات حقوقی و فقهی تبدیل شود. در این راستا، برخی پژوهش‌ها به بررسی نقاط اشتراک میان این نظام‌ها پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تا زمینه‌های مشترک برای گفت‌وگو و تعامل میان آن‌ها را شناسایی کنند (نجفی، ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه، مسئله نسبی‌گرایی اخلاقی در نظام‌های حقوقی مدرن است. در حالی که فقه اسلامی اصول اخلاقی را ثابت و غیرقابل تغییر می‌داند، نظام‌های مدرن اخلاق را به‌عنوان پدیده‌ای نسبی و وابسته به تغییرات اجتماعی می‌بینند. این نگاه نسبی‌گرا موجب شده است که ارزش‌های اخلاقی در نظام‌های مدرن گاه با تناقضات جدی مواجه شوند و نتوانند به‌طور کامل نیازهای جوامع مختلف را پاسخ دهند (الکساندر، ۲۰۱۰).

در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود تا با رویکردی تطبیقی، مبانی اخلاقی در فقه و حقوق اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی بررسی شود. این پژوهش بر آن است تا با تحلیل نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها، زمینه‌ای برای ارائه راهکارهایی جهت تلفیق اصول اخلاقی و نظام‌های حقوقی فراهم کند. همچنین، این پژوهش به دنبال آن است تا پاسخ این پرسش اساسی را بیابد که آیا می‌توان با بهره‌گیری از ارزش‌های اخلاقی مشترک، نظام حقوقی‌ای ایجاد کرد که در عین رعایت تنوع فرهنگی و اجتماعی، عدالت و کرامت انسانی را به بهترین شکل ممکن تأمین کند؟

با توجه به اهمیت موضوع، تحلیل تطبیقی اخلاق در فقه اسلامی و سایر نظام‌های حقوقی نه تنها به فهم عمیق‌تر تفاوت‌ها و شباهت‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تعامل سازنده میان این نظام‌ها مورد استفاده قرار گیرد (قمی، ۱۳۹۳). در این راستا، این پژوهش با بهره‌گیری از منابع معتبر و تحلیل‌های تطبیقی، تلاش دارد تا به شناخت جامعی از این موضوع مهم دست یابد.



در نهایت، پژوهش حاضر بر این باور است که تکیه بر ارزش‌های اخلاقی مشترک و بهره‌گیری از نقاط قوت هر یک از نظام‌های حقوقی می‌تواند به شکل‌گیری نظامی جامع و عادلانه کمک کند که هم پاسخگوی نیازهای معاصر باشد و هم با اصول اخلاقی و دینی سازگار باشد (علامه طباطبایی، ۱۳۶۰). این موضوع می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای کاهش تعارضات میان نظام‌های حقوقی مختلف و تقویت انسجام اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با نگاهی تطبیقی، مبانی اخلاقی فقه اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان داد که فقه اسلامی، به دلیل اتکای بر اصول و حیانی و بهره‌گیری از قواعد اخلاقی ثابت، توانسته است در طول تاریخ به‌عنوان یک نظام حقوقی پایدار و جامع عمل کند. این نظام بر ارزش‌هایی همچون عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی تأکید داشته و این ارزش‌ها را به‌عنوان اصولی تغییرناپذیر در قوانین خود گنجانده است.

از سوی دیگر، نظام‌های حقوقی مدرن، نظیر حقوق بشر و حقوق طبیعی، گرچه دستاوردهای مهمی در زمینه ترویج حقوق و آزادی‌های انسانی داشته‌اند، اما به دلیل وابستگی به تغییرات فرهنگی و اجتماعی، گاه با چالش‌هایی همچون نسبی‌گرایی اخلاقی و تضاد با ارزش‌های سنتی مواجه شده‌اند. این موضوع ضرورت توجه بیشتر به اصول اخلاقی مشترک و تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر را نشان می‌دهد.

از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **تفاوت در منابع اخلاقی:** فقه اسلامی بر وحی و آموزه‌های دینی استوار است، درحالی‌که نظام‌های مدرن بیشتر به اصول عقلانی و تجربه‌محور تکیه دارند.
۲. **ثبات در اصول اخلاقی:** یکی از نقاط قوت فقه اسلامی، ثبات و پایداری اصول اخلاقی آن است، درحالی‌که نظام‌های مدرن تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار دارند.
۳. **چالش‌های نسبی‌گرایی اخلاقی:** نظام‌های مدرن به دلیل دیدگاه نسبی‌گرایانه، در برخی موارد



قادر به ارائه راه حل های جامع و بلندمدت نیستند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می شود:

۱. **گفت و گوی بین نظامی:** برگزاری نشست ها و همایش های علمی بین المللی برای تقویت تعامل میان فقه اسلامی و سایر نظام های حقوقی می تواند به درک بهتر نقاط قوت و ضعف هر یک کمک کند.
۲. **تلفیق ارزش های مشترک:** تلاش برای شناسایی و تدوین ارزش های اخلاقی مشترک میان نظام های مختلف حقوقی و استفاده از آنها در حل تعارضات حقوقی.
۳. **ترویج آموزش تطبیقی:** گنجاندن مباحث تطبیقی میان فقه اسلامی و نظام های مدرن در برنامه های آموزشی دانشگاهی برای تربیت متخصصانی آگاه به تفاوت ها و شباهت های این نظام ها.
۴. **تحقیقات تطبیقی بیشتر:** انجام پژوهش های عمیق تر و گسترده تر برای تحلیل تطبیقی اصول اخلاقی در زمینه های خاص مانند حقوق بشر، محیط زیست و فناوری های نوین.
۵. **بازنگری در روش ها:** پیشنهاد می شود روش های اجتهادی در فقه اسلامی به گونه ای توسعه یابد که بتواند نیازهای معاصر را بهتر پاسخ دهد.
۶. **تقویت ارتباطات بین المللی:** فقه اسلامی می تواند با تقویت ارتباطات خود با نظام های حقوقی مدرن، سهم بیشتری در حل مسائل جهانی داشته باشد.
۷. **حفظ اصول و تطابق با نیازها:** نظام های حقوقی مدرن نیز می توانند با حفظ اصول اساسی خود، تلاش کنند تا با ارزش های دینی و سنتی سازگار شوند.
۸. **طراحی چارچوب اخلاقی جهانی:** همکاری میان متخصصان فقه اسلامی و نظام های حقوقی مدرن برای تدوین چارچوبی اخلاقی که پاسخگوی نیازهای جهانی باشد.



در پایان، می‌توان گفت که بررسی تطبیقی مبانی اخلاقی میان فقه اسلامی و سایر نظام‌های حقوقی نه تنها به تقویت مبانی نظری این نظام‌ها کمک می‌کند، بلکه راهگشای تدوین نظام حقوقی‌ای جامع و عادلانه برای دنیای امروز خواهد بود. تکیه بر نقاط قوت هر یک از این نظام‌ها و بهره‌گیری از ارزش‌های مشترک می‌تواند به کاهش تعارضات و تقویت انسجام اجتماعی در جوامع جهانی منجر شود.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). *اخلاق در قرآن*. تهران: انتشارات صدرا.
۲. شریعتی، علی. (۱۳۸۵). *اسلام شناسی*. تهران: انتشارات قلم.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
۴. خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. سبحانی، جعفر. (۱۳۹۲). *اصول فقه اسلامی*. قم: انتشارات دارالفکر.
۶. گلپایگانی، سید محمد رضا. (۱۳۸۷). *فقه و اخلاق*. قم: انتشارات فقه اسلامی.
۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). *کلیات حقوق*. تهران: نشر میزان.
۸. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۹). *فقه سیاسی در اسلام*. تهران: نشر سمت.
۹. محسنی، سید حسین. (۱۳۹۱). *اخلاق و حقوق بشر در اسلام*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۲). *فقه و مبانی حقوق اسلامی*. تهران: نشر مدرسه.

ب) منابع انگلیسی

۱. **Mofidu University.** (n.d.). The role of ethics in law from the perspective of philosophy of jurisprudence and philosophy of law. Retrieved from https://law.mofidu.ac.ir/article_۴۰۴۳۲.html
۲. **Iranian Journal of Medical Law.** (n.d.). Common principles of Western human rights and Islamic human rights in the view of humanitarian jurisprudence. Retrieved from <https://ijmedicallaw.ir/article-۱-۱۰۲۷-fa.html>



۳. **Civilica.** (n.d.). Comparison of the relationship between law and ethics in the perspective of transcendent philosophy and the foundations of Western human rights. Retrieved from <https://civilica.com/doc/۱۸۳۱۰۹۵/>

۴. **Miu Journals.** (n.d.). Comparative study of natural law theory from the perspective of John Locke and religious teachings. Retrieved from https://journals.miu.edu.af/article_۱۰۰۰۷۲.html

۵. **Ensani.ir.** (n.d.). Human rights from the perspective of Islam and the West. Retrieved from <https://ensani.ir/fa/article/۴۷۸۷۸>

ج) سایت های مورد استفاده

۱. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID): www.sid.ir

۲. نورمگز (پایگاه مجلات تخصصی علوم انسانی): www.noormags.ir

۳. پرتال جامع علوم انسانی: www.ensani.ir